

## بررسی برخی تراحمات اخلاقی در عرصه تبلیغ دینی در فضای مجازی

ابوالفضل توسلی زاده\*

### چکیده

هدف: مبلّغ دینی در فضای مجازی با تراحمات اخلاقی گوناگونی مواجه می شود که تصمیم گیری مناسب در این موارد نیازمند تأمل و دقت نظر در ادله عقلی و شرعی اطراف شبهه و تراحم است. هدف این نوشتار حل چهار مورد از تراحمات اخلاقی مبلّغین در این فضا است.

روش شناسی پژوهش: در جمع آوری داده ها و به دست آوردن تراحمات اخلاقی، از روش میدانی و کتابخانه ای استفاده شده است. در دفع یا رفع آن ها به شیوه ای تحلیلی - اجتهادی و با تکیه بر استدلال و استنتاج عمل شده است.

یافته ها: در مقاله حاضر، چهار مورد از تراحمات اخلاقی مورد ابتلای مبلّغین دینی، بررسی شده است. تراحم اول بین ضرورت جریان شناسی برای شبهه شناسی و پاسخ به آن و لزوم اجتناب از فضاهای شبهه ناک؛ تراحم دوم بین ضرورت تبلیغ دین و پاسخ گویی به شبهات و لزوم اجتناب از اجتماع با نامحرم در فضای خصوصی؛ تراحم سوم بین ضرورت

\* دکتری مدرسی معارف اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. chelcheragh2@gmail.com

استناد به این مقاله: توسلی زاده، ابوالفضل (۱۴۰۲). بررسی برخی تراحمات اخلاقی در عرصه تبلیغ دینی در فضای مجازی. مطالعات دینی رسانه، ۵ (۲۰)، ۱۴۵-۱۱۴. <https://doi.org/10.22034/jmrs.2024.205458>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

ناشر: دانشگاه صدا و سیما

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.

تبلیغ دین و لزوم جلوگیری از تضييع عمر و اتلاف وقت؛ و تراحم چهارم بين ضرورت تهيه محتوا و جستجو در فضاي مجازي و لزوم اجتناب از تصاوير مستهجن رخ مي دهد.

بحث و نتیجه گیری: با بررسی ادله هرکدام از اطراف تراحم، این نتیجه حاصل آمد که تراحم اول فرضی است و با توجه به فرض مسئله، در خارج اتفاق نمی افتد. در تراحم دوم و سوم ضرورت تبلیغ مقدم بر آسیب های شایع آن است و برای رفع آسیب پیشنهادات کاربردی ارائه شده است. تراحم چهارم نیز با معلوم شدن حکم نگاه کردن، قابل رفع است.

کلیدواژه ها: اخلاق، اخلاق کاربردی، تبلیغ، فضای مجازی، تراحم اخلاقی، مبلّغ دینی، اخلاق تبلیغ

#### مقدمه

با توجه به فرصت های موجود در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، ضرورت ورود مبلّغین دینی و تبلیغ دینی در این فضا بر کسی پوشیده نیست. حضور مخاطبین جوان و مستعد که شاید هیچ گاه مخاطب تبلیغ سنّی و رودررو واقع نشوند، یکی از این فرصت هاست. بر اساس این ضرورت و با توجه به تأکید مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، حوزه های علمیه به این امر اهتمام ورزیدند.

فضای مجازی و شبکه های اجتماعی یکی از ابزارهای غرب برای استعمار نوین سایر ملت هاست (ولایتی، ۱۳۹۵: ۲۱۹) و برای جهت دهی افکار مخاطبین، ساخت و کنترل جریان های اجتماعی از آن بهره می برند. وجود محتواهای ضددینی و ضداخلاقی در این فضا و دسترسی غیر محدود به آنها، سبب ایجاد آسیب های جدی برای استفاده کنندگان از آن می شود. بنابراین حضور بدون پشتوانه علمی و اخلاقی مبلّغین دینی در این گونه فضاها، تبعات جبران ناپذیری به دنبال خواهد داشت. نوشتار حاضر در تلاش است به بیان چند مورد از موارد تراحمات اخلاقی مورد ابتلای مبلّغین دینی در این فضا بپردازد و علاوه بر آن با استفاده از متون دینی و دلایل روشن عقلی، برای حل آنها راهکار مؤثری ارائه کند.

در این بخش به توضیح مفاهیم مورد استفاده در طول تحقیق می‌پردازیم:

## ۱. اخلاق کاربردی

«اخلاق کاربردی» به معنای کاربرست‌مبانی و معیارهای ارزش‌داوری اخلاقی است. مبانی ارزش‌داوری در فرااخلاق و معیارهای ارزش‌داوری در اخلاق‌هنجاری مورد بحث قرار می‌گیرند (شریفی، ۱۳۹۰). نشان دادن چگونگی اعمال احکام اخلاقی و چگونگی انجام وظایف اخلاقی یا کاربردی کردن توصیه‌ها و ارزش‌های عام اخلاقی، کمک به اتخاذ تصمیمات درست اخلاقی در موارد تراحم اخلاقی، از جمله کارکردهای اخلاق کاربردی است.

تراحم اخلاقی یا «تعارض‌های اخلاقی»<sup>۱</sup> به معنای تعارض‌های غیرقابل‌حل میان الزامات اخلاقی (محمدی‌پیرو و شریفی، ۱۳۹۰) در مواردی است که امثال دو یا چند تکلیف الزامی اخلاقی در زمان واحد ممکن نیست (رضوانی، ۱۳۹۲).

## ۲. تبلیغ مجازی

«تبلیغ» از ماده «بُلوغ»، در اصطلاح به معنای رساندن پیام به گیرنده از طریق برقراری ارتباط، به‌منظور ایجاد تغییر و دگرگونی در بینش، رفتار و کردار او است که در لاتین، پروگاندا<sup>۲</sup> گفته می‌شود. «تبلیغ دینی» از جمله اصول بسیار مهم اسلام است که بر اساس آیه «نفر» واجب شمرده شده و به معنای رساندن حقایق و معارف اسلامی و دعوت و تشویق مردم به رعایت و اطاعت از فرامین الهی و تأسی به سیره انبیا و ائمه اطهار می‌باشد. «تبلیغ دینی» با روش‌های مختلفی انجام می‌پذیرد. بعد از ظهور و بروز مدرنیته در قالب شبکه جهانی اینترنت، نوع جدیدی از تبلیغ دینی در این فضا شکل گرفت که با عنوان «تبلیغ

1. Moral conflicts
2. propaganda

اینترنتی» یا همان «تبلیغ دینی در فضای مجازی» شناخته می‌شود و در مقابل «تبلیغ دینی سنتی» و کلاسیک قرار دارد. «تبلیغ دینی در فضای مجازی» نوع خاصی از «تبلیغ دینی» است که با ابزارهای نوین در بستر «شبکه جهانی اینترنت» صورت می‌پذیرد. هدف از این نوع تبلیغ، رساندن پیام دین به مخاطبین و پاسخ به شبهات آنان است.

### تحلیل برخی تراحمات اخلاقی پیش‌روی مبلغ دینی در فضای مجازی

در این بخش به چهار مورد از تراحمات اخلاقی مورد ابتلای مبلغ دینی در فضای مجازی اشاره می‌شود و با ارائه ادله هر طرف تراحم، بر اساس اصول لفظی و عقلی مناسب به دفع یا رفع آن پرداخته می‌شود:

#### ۱. تراحم اول

پاسخ به شبهات، دوری از شبهات

#### الف). تبیین تراحم اول

در اداره تبلیغ اینترنتی گروهی به‌عنوان «جریان‌شناسی» فعالیت می‌کنند که وظیفه شناسایی و دسته‌بندی جدیدترین شبهات روز جهان در مسائل اسلامی را به عهده دارند. این گروه حتی در فضاهای فیلترشده با آیدی‌های مخصوص حضور دارند تا با جدیدترین شبهات مواجه شوند؛ شبهاتی که در قالب متن، تصویر یا فیلم ارائه می‌شوند و در بسیاری موارد به دلیل تازگی آن‌ها، پاسخ روشنی از طریق کارشناسان مذهبی برایشان تهیه نشده است. در این موارد است که یک مبلغ اینترنتی در معرض ابتلا به شبهه و تأثر و انفعال در برابر آن ممکن واقع شود. از طرفی برای مقابله با شبهات، شناسایی و دسته‌بندی آن‌ها لازم و ضروری است و از طرف دیگر دوری از فضاهای پُر از شبهه به‌ویژه شبهاتی که شخص توانایی حل آن‌ها را ندارد، لازم و ضروری است. از این رو بین این «باید» -که مربوط به شئون طلبگی مبلغ است- و «نباید» -که مربوط به شئون ایمانی وی است- تراحم روشنی به وجود می‌آید. سؤال

اینجاست که: آیا راهی وجود دارد که هم شئون طلبگی حفظ شود و هم به شئون ایمانی وی آسیبی وارد نیاید؟ و یا اینکه شأن ایمانی وی بر شأن تبلیغی او رجحان دارد و باید جانب «نباید» را ترجیح داده و از این فضاها دوری کند و کار را به افراد دیگری بسپارد؟ و یا اینکه شأن تبلیغی او بر شأن ایمانی اش چیره شده و برای رسیدن به منفعت عظیم، تحمل این مضرت و رد شدن از برخی خطوط قرمز به اندازه ضرورت اشکالی ندارد؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است ادله عقلی و نقلی مربوط به هر دو شأن پیش گفته به دقت بررسی شود و قواعد تراجم جاری گردد.

### ب). حل تراجم اول

در مورد لزوم شناسایی شبهات به عنوان مقدمه پاسخگویی و دفاع از دین، به دلایل چندی می توان استناد کرد. اول، آیه نفر که مربوط به وظیفه تبلیغی کسانی است که تقفه در دین داشته اند. خداوند متعال در آیه ۱۲۲ سوره توبه می فرماید: «و ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون؛ شایسته نیست مؤمنان همگی - به سوی میدان جهاد کوچ کنند. چرا از هر گروهی، طایفه ای از آنان کوچ نمی کنند و طایفه ای بمانند - تا از دین آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنان را انذار نمایند تا از مخالفت فرمان پروردگار - بترسند».

به فرینه سیاق دانسته می شود که وظیفه این افراد که همان مبلغین دینی هستند، دفاع از دین در عرصه جنگ نرم است، زیرا در مقابل عده ای که در جنگ سخت به دفاع می پردازند، قرار گرفته اند. از این آیه و وجوب ذی المقدمه استنباط می شود و با اثبات وجوب ذی المقدمه، وجوب مقدمه واجب هم قابل استدلال است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۹۴).

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «بار حفظ این دین را در هر قرن، مردمان عادل بر دوش دارند که تاویل های باطل اندیشان و تحریف های گزافکاران و برساخته های نادانان را از آن دور و نابود می کنند، به همان گونه که کوره، پلیدی (و ناخالصی) آهن را از آن دور می کند» (ابن اشعث، بی تا: ۲۴۵).

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «علمای شیعه ما همچون مرزداران، مانع یورش شیاطین به شیعیان ناتوان شده، و جلوی غلبه ناصبان شیطان صفت را می گیرند. پس بدانید هر که این گونه در مقام دفاع از شیعیان ما برآید، فضیلتش از جهادکننده با روم و ترک و خزر، هزاران بار بیشتر است، زیرا آن از کیش پیروان ما دفاع می کند و این، از جسم آنان» (امام عسکری، ۱۴۰۹: ۳۴۳).

طریقه استدلال به این دو روایت نیز همانند استدلال به آیه از طریق ملازمه بین وجوب واجب و وجوب مقدمه آن است. بر این اساس وجوب حضور مبلّغ دینی در فضاهای شبهه‌ناک برای شناسایی و دسته‌بندی شبهات اثبات می شود، اما نکته دارای اهمیت اینکه در آیه شریفه «متفقّه در دین» یعنی کسی که فهم عمیقی از دین پیدا کرده و در روایات «علمای شیعه و عادلان» به این کار موظف گردیده‌اند. پس می توان این عناوین را به عنوان شرایط لازم مبلّغ دینی مطرح نمود.

تبلیغ دارای مراتب مختلفی است که با ملاحظه هر مرتبه‌ای می توان ورود طلاب و روحانیون را به عرصه تبلیغ برنامه‌ریزی کرد. تبلیغ اینترنتی یکی از مراتب بالای تبلیغ است و از تخصصی‌ترین انواع آن محسوب می شود و علاوه بر تسلط به متون دینی، نیازمند دانش‌های فراوان دیگری است.

مناسب‌ترین بایی که فقهای عظام به بحث برای لزوم اجتناب از فضاهای شبهه‌ناک پرداخته‌اند، «کتب ضلال» است که در مکاسب محرّمه مورد بررسی قرار می گیرد.

در تحف العقول و رساله محکم و مشابه سید مرتضی علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «(و حرام است) هر موردی که نهی شده و به وسیله آن غیر خدا و کفر و شرک تقویت می شود و یا هر مطلبی که حق در آن سبک شمرده شده است. خرید و فروش، نگهداری، بخشش، عاریه و هر فعلیتی پیرامون آن حرام است، مگر آن که انجام آن اضطرار داشته باشد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳۳).

مرحوم نراقی در حرمت کتب ضاله به این روایت استناد کرده و معتقد است که ضعف

سندی آن با عمل اصحاب جبران شده است (نراقی، ۱۴۱۵: ۱۵۷-۱۴)، البته محدث بحرانی

به دلیل عدم وجود نصّ در مسئله آن را انکار کرده است، اما صاحب جواهر استدلال به این روایت را پذیرفته است (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۷-۲۲). شیخ انصاری علاوه بر این به دلیل عقلی و قرآنی نیز استدلال فرموده است (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۳۳-۱) مرحوم سید یزدی نیز در حاشیه مکاسب نکات متعددی را عنوان فرموده‌اند. به عقیده ایشان: «آنچه ادله ارائه شده اقتضا دارد و خوب از بین بردن (حرمت حفظ) تمام چیزهایی است که باعث گمراهی می‌شود و «کتب» هیچ ویژگی خاصی ندارد. بنابراین غیر از کتاب، هر چیزی هم که شأنیت گمراه کردن دارد، حفظش حرام است و چه بسا غرض فقها از انتخاب این عنوان (کتب ضلال) بیان مثال باشد، نه محدود کردن موضوع». ایشان حرمت حفظ کتب ضلال را از باب حرمت کذب دانسته‌اند که «با وجود مصلحت از آن رفع ید می‌شود، زیرا عمومیتی در دلیل حرمت حفظ کتب ضلال وجود ندارد» (یزدی، ۱۴۲۱: ۲۳-۱).

بنابراین با تعمیم معنای کتب ضلال، شبهات دینی فضای مجازی نیز به دایره این عنوان وارد می‌شوند. پس حفظ و نگهداری این شبهات نسبت به افراد گوناگون، مختلف است. علما و دانشمندانی که از نظر علم و دانش به اندازه‌ای رسیده باشند که متون اسلامی را شناخته و از اعتقاد راسخی برخوردار بوده و قدرت تحلیل و نقد و بررسی داشته باشند، از نظر به دست آوردن و مطالعه این شبهات دارای سه حکم هستند: گاهی فقط جایز، و گاهی واجب کفایی، و گاهی نیز واجب عینی می‌باشد. این امر به شرایط فرد و نوع شبهه بستگی دارد. به عنوان مثال در مورد تراجم اول مطرح شده در این مقاله، فرض این است که شخص مواجه با شبهات، یک مبلغ مجازی است که از شرایط بالای علمی و عملی برای تبلیغ دین برخوردار است و فهم عمیقی از دین دارد و می‌تواند به پاسخ شبهه برسد. از طرفی، برای واکنش‌دهی کردن جوانان مسلمان در برابر این شبهات، لازم است در اولین مرحله شبهات را اصطیاد کنند و بعد از دسته‌بندی پاسخ مناسب بدهند و در دسترس عموم قرار دهند. و غیر از مبلغین مجازی که خط‌شکنان این جبهه جنگ نرم هستند، هیچ‌کسی صلاحیت و توانایی ورود به این عرصه را ندارد. بنابراین شاید بتوان گفت در موارد پیش گفته، ورود به فضاهای شبهه‌ناک برای این نوع از افراد، واجب کفایی خواهد بود.

به سخن دیگر اگر شرایط به گونه‌ای باشد که باید به آن پاسخ داده شود، اما این پاسخ منحصر در او نباشد، بلکه او بتواند یکی از پاسخ‌دهندگان باشد، در این صورت واجب کفایی است، اما اگر پاسخ و نقد آن شبهه به او منحصر باشد، در این صورت بر او واجب عینی است.

نسبت به افرادی که از مایه علمی چندانی برخوردار نیستند و احتمال تأثیر و انحراف در آن‌ها وجود دارد، ورود به فضای شبهه‌ناک حرام است. چنین فردی شأنت تبلیغ مجازی را ندارد، زیرا چنانکه پیش از این اشاره شد، تبلیغ دارای مراتب گوناگونی است که تبلیغ مجازی از حساس‌ترین و بالاترین مراتب تبلیغ است و مبلغ این عرصه باید از شرایط ویژه‌ای بهره‌مند باشد.

امام خمینی علیه السلام در فتوایی می‌فرماید: «خرید و فروش و نگهداری کتاب‌های گمراه‌کننده جایز نیست، مگر برای پاسخگویی و ردّ مطالب آن برای کسی که قدرت علمی این کار را داشته باشد» (خمینی، ۱۴۲۴: ۱۰۰۵).

از مجموع آنچه بیان شد روشن می‌شود که تعارض فرض شده در مورد اول، تعارضی بدوی است که با دقت در ادله و همچنین مذاقه در بایسته‌های مبلغ اینترنتی قابل دفع است.

## ۲. تراحم دوم

ضرورت تبلیغ و ضرورت دوری از اختلاط

### الف). تبیین تراحم دوم

در سال‌های اخیر با نفوذ شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات آنلاین بین افراد در هر جا و مکانی، روابط اجتماعی مجازی بسیار نزدیک به روابط اجتماعی حقیقی به وجود آمده است. تا پیش از این در فضاهاى وب ۱ و نسل اول وب ۲ روابط با سرعت بسیار پایین‌تر و محدودتر برقرار می‌شد. به‌عنوان مثال در نظرات مطلب یک وبلاگ تنها با یک متن خشک آن هم با



سختی‌های دسترسی و محدودیت‌های بسیار زیاد مواجه بودیم، اما در یک شبکه اجتماعی نسل نوین مثل تلگرام با امکانات بسیار بالا از طریق گوشی‌های هوشمند و با کمترین هزینه و در کوتاه‌ترین و در هر مکانی مواجه هستیم.

یکی از بزرگترین آسیب‌های پیش‌روی مبلغ دینی در فضاهاى نوین، اختلاط با جنس مخالف است. مبلغینی که در چت‌روم‌ها مشغول کار هستند، به‌ویژه با این حالت مواجه می‌شوند که تعدادی از کاربران جنس مخالف برای مشاوره یا گفتگوی بیشتر به pv مبلغ مراجعه می‌کنند. Pv اصطلاحی برای چت‌های خصوصی دوفره بین کاربران است. این موارد یکی از بزرگ‌ترین اختلاقی است که برای مبلغ دینی اخلاق‌مدار ایجاد شبهه می‌کند. از طرفی وظیفه تبلیغی او ایجاب می‌کند به مخاطب دینی خود پاسخگو باشد و از طرف دیگر، شئون دینی مبلغ از اختلاط با نامحرم در محیط خصوصی نهی می‌کند. آیا راه‌حلی برای رفع این تزاخم وجود دارد؟ یا اینکه ناگزیریم یکی از دو طرف شأن تبلیغی یا شأن دینداری را برگزینیم؟

## ب). حلّ تزاخم دوم

در مورد لزوم تبلیغ دین همان ادله گفتار سابق کافست و نیازی به تکرار بحث نیست و فقط به بخش منهیّ تزاخم با استفاده از چند باب فقه می‌پردازیم. در مورد اختلاط با نامحرم، فتوای معروف بین فقهای شیعه کراهت اختلاط زن و مرد نامحرم، حتی در عبادات است (شاه‌رودی، ۱۴۲۳: ۳۸۲-۷). سید یزدی در عروه می‌نویسد: «اختلاط زن و مرد مکروه است و برای زنان حضور در نماز جمعه و جماعت مکروه است، مگر برای پیرزن‌ها» (یزدی، ۱۴۰۹: ۸۰۵). مستند این حکم، روایات بسیاری است؛ از جمله روایاتی از امیرالمؤمنین علیه السلام که اهل عراق را به خاطر حضور زنانشان در کوچه و بازار مورد عتاب قرار می‌دهند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵-۵۳۷). امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «ای اهل عراق! به من خبر رسیده که زنانتان در گذرگاه‌ها با مردان برخورد می‌کنند. آیا حیا نمی‌کنید؟!» همچنین فرمودند: «آیا شرم نمی‌کنید و غیرت نمی‌ورزید که زنانتان به بازارها می‌روند و با

مردان برخورد می‌کنند». همچنین روایاتی وجود دارد که از حضور زنان در نماز عیدین و نماز جمعه نهی می‌کنند (همان: ۵-۵۳۸).

مطالبی که گفته شد، مربوط به اختلاط در فضاهای عمومی مثل بازار و خیابان‌هاست، اما برخی از فقهاء در مورد معاشرت زن و مرد نامحرم به صورت مطلق فتوا به حرمت داده‌اند. مرحوم خوبی در جواب استفتائی در مورد اختلاط دختران و پسران در مدارس دولتی می‌نویسد: «اختلاط دو جنس در سن بلوغ جایز نیست» (خویی، ۱۴۱۶: ۱-۳۳۱). امام خمینی علیه السلام نیز در پاسخ به استفتائی در مورد کار کردن زنان در موسسات می‌نویسند: «با رعایت تکالیف شرعی اشکالی ندارد. از جمله این تکالیف اجتناب از مخالطت زیاد با مردان نامحرم است» (خمینی، بی تا: ۳-۳۵۸).

مسئله دیگری که برای حل تراحم مورد بحث، باید مطرح شود، مسئله «خلوت کردن زن و مرد نامحرم» است. بسیاری از فقهای عظام فتوای صریح به حرمت این عمل داده‌اند. علامه حلی در باب الاجارة از کتاب تذکرة می‌نویسد: «اجیر کردن زن برای خدمت در خانه جایز است ... اما خلوت کردن با او در خانه جایز نیست، زیرا مقدمات فساد را فراهم می‌کند» (حلی، ۱۳۸۸: ۵۷۳). امام خمینی علیه السلام نیز در فتوایی می‌نویسند: «بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست، و احتیاط در نماز نخواندن در آنجا است، لیکن اگر خواند، نمازش باطل نیست» (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

برخی دیگر از فقهاء در صورتی خلوت کردن را حرام دانسته‌اند که شخص دیگری نتواند داخل آنجا شود (خمینی، ۱۴۲۴: ۱-۴۹۷) آیت‌الله خویی معتقد است: «دلیلی بر حرمت خلوت بمانی خلوة وجود ندارد و نهی از آن تنها به این دلیل است که خلوت از مقدمات قریب زنا محسوب می‌شود» (خویی، ۱۴۱۷: ۱-۲۱۸).

صاحب جواهر در این مسئله قائل به کراهت شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۲-۳۴۳). شهید ثانی در مسالک اجتماع چند مرد با زن را هم به این مسئله ملحق دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۹-۳۲۵).

امام خمینی علیه السلام و برخی دیگر از معاصرین «خوف از وقوع در حرام و احتمال مفسده» را شرط حرمت معرفی کرده‌اند (خمینی، ۱۴۲۴: ۲-۴۹۳).

همه این موارد در ارتباط حقیقی در فضایی غیر مجازی است که کشش نفسانی شخص به جنس مخالف اسباب قویه‌ای بر ارتکاب زنا یا تجاوز - به حسب مراتب تشکیکی آن - می‌شود، اما در ارتباطات مجازی ارتباط از طریق مکتوبات و گاهی صدای ضبط شده یا ارتباط زنده تصویری است. در این صورت بررسی کرد که در این موارد خاص چه میزان از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (کنش و واکنش) جنسی بین زن و مرد اتفاق می‌افتد؟ روان‌شناسان تربیتی معتقدند: «واژه‌ها به اندازه تصویرها، نشانه‌ها و پرچم‌ها نیرومند هستند» (آذربخش، بی تا: ۱۶۴). بنابراین احتیاط در این است که این نوع خلوت مجازی - که زمینه‌ساز برخی از انحرافات جنسی است و در عمل نیز افراد بسیاری با ورود به این نوع فضاها گرفتار شده‌اند - همان حکم خلوت حقیقی را داشته باشد، اما ارتباط با نامحرم برای تبلیغ دین و آموزش آن، با رعایت موازین شرعی و به اندازه ضرورت، بلامانع است. ابوبصیر از اصحاب امام باقر علیه السلام می‌گوید: «من به زنی تعلیم قرآن می‌کردم. روزی اندکی با او شوخی زبانی کرده و جمله‌ای مزاح‌آمیز گفتم. پس از مدتی به حضور امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم. به محض اینکه مرا دید فرمود: ابوبصیر، به آن زن چه گفتی؟ من از شدت شرم و حیا صورتم را پوشاندم. فرمود: دیگر این کار را تکرار نکن» (طبری، ۱۴۱۳: ۲۳۲).

در این روایت از تعلیم دین به زن نامحرم نهی نشده، بلکه از عدم رعایت موازین شرعی در ارتباط با نامحرم نهی صورت گرفته است. مبنای قرآنی این حکم، آیاتی است که از دوستی با نامحرم نهی فرموده است (آیات ۲۵ نساء و ۵ مائده) در این آیات هم دوستی زنان با مردان نامحرم و هم دوستی مردان با زنان نامحرم مذموم دانسته شده است. ارتباطی که منجر به ایجاد این دوستی - که دارای مراتب تشکیکی است - بشود، حرام و منکر است. مبلّغ مجازی نیز می‌تواند سؤالات مخاطبین غیرهمجنس را به صورتی عمومی پاسخ دهد و اگر قرار است به صورت خصوصی به سؤالی پاسخگو باشد، باید پرسش‌کننده را به کارشناسان دینی همجنس ارجاع دهد. با توجه به اینکه حوزه‌های علمیه خاوران پس از انقلاب شکوهمند

اسلامی جان تازه‌ای گرفتند و در حال حاضر کارشناسان دینی فراوانی تربیت شده‌اند، امکان ارجاع سؤالات و مشاوره‌های زنان و دختران به خواهران طلبه وجود دارد، البته هماهنگی لازم در این رابطه و معرفی آیدی‌های مخصوص برای پاسخ‌گویی خصوصی به زنان باید توسط واحدهای تبلیغی حوزه‌های خواهران و برادران صورت پذیرد.

در شرایط کنونی که چنین ارتباطی به وجود نیامده است، راه‌حل دیگری برای خودداری از خلوت وجود دارد. پیشنهاد نویسنده به مبلغین مجازی پاسخ‌گویی چت‌های خصوصی نامحرمان در حضور حقیقی همسر خود است؛ به این معنی که در حضور همسر خود در چت خصوصی حضور یابد.

از همه مطالب پیش‌گفته این نتیجه حاصل آمد که در حل تراحم مورد بحث دو راه وجود دارد که یکی نیازمند همکاری معاونت‌های تبلیغی حوزه‌های خواهران و برادران و دیگری برهم زدن خلوت مجازی با حضور حقیقی همسر مبلّغ است.

### ۳. تراحم سوم

ضرورت تبلیغ و عدم تضييع عمر

#### الف). تبیین تراحم سوم

یکی از آسیب‌های جدی حضور در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی «اعتیاد» به آن است. بسیاری از افرادی که در این فضا حضور دارند، خواه‌ناخواه به این گرداب کشیده می‌شوند و ساعت‌های متمادی از عمر خود را در پشت دستگاه رایانه یا گوشی موبایل صرف می‌کنند. بسیاری از افراد با نیت خیر مثل تبلیغ دین وارد این فضا می‌شوند، اما حاصلی جز ساعت‌ها اتلاف وقت و تضييع عمر برایشان به همراه ندارد.

ادله بسیاری بر لزوم محافظت بر فرصت‌ها و جلوگیری از تضييع عمر وجود دارد که ما را از هرکار بیهوده‌ای که زمینه تضييع عمر را فراهم می‌کند، برحذر می‌دارد. در این مورد شأن ایمانی مبلّغ در موارد بسیاری با شأن تبلیغی وی تراحم می‌کند، زیرا حضور در بعضی

فضاهای مجازی، وقت‌گذرانی و تضييع عمر را به همراه دارد. به‌عنوان مثال حضور در چت‌روم‌ها و مواردی که وظیفه شناسایی جریانی خاص یا محک زدن جریان‌سازی اجرا شده به عهده وی قرار می‌گیرد و باید ساعت‌ها و روزهای متمادی در فضایی که هیچ سنخیتی با او ندارد، حضور یابد و چت‌های بی‌معنی افراد مختلف را رصد کند و مطالب نامربوطی را ببیند و بشنود، از این نمونه است.

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که: آیا راه‌حلی برای حل این تراحم وجود دارد؟ یا اینکه باید جانب نهي را بگیرد و به‌طور کلی ترک تضييع عمر کند و یا اینکه باید به وظیفه تبلیغی خود ولو با این آسیب منهیّ ادامه دهد؟

### ب). حل تراحم سوم

در مورد ضرورت تبلیغ دین و شأن تبلیغی طلبه در گفتار اول این بخش به‌صورت مفصل بحث شد و نیازی به تکرار بحث نیست، پس در مورد قسمت دوم تراحم به بیان ادله شرعی و عقلی بحث می‌پردازیم.

عمر انسان بالاترین سرمایه زندگانی اوست که هر لحظه در حال گذر است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «فرصت مانند ابر می‌گذرد» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۷۱). به قول سعدی شیرین سخن:

هردم از عمر می‌رود نفسی چون نغمه می‌کنی نمانده بسی

(خزائلی، ۱۳۶۳: ۱۴۳)

عمر آدمی متاع گهربار تکرارنشده‌ای است و هر عقل سلیمی حکم می‌کند که باید به بهترین صورت از آن استفاده کرد و از انجام هر عملی که تضييع عمر و اتلاف آن محسوب می‌شود، خودداری نمود. شیخ بهایی رحمته الله علیه سروده است:

جمله که بینی، همه دارد عوض در عوضش گشته میسر غرض

آنچه ندارد عوض ای هوشیار عمر عزیز است غنیمت شمار

(شیخ بهایی، ۱۳۵۲: ۵۵)

همچنین می‌دانیم که عمر آدمی بزرگترین نعمتی است که خداوند حکیم در اختیار انسان گذاشته تا با استفاده از فرصت‌های آن به سعادت ابدی دست یابد. همان‌طور که عقل به وجوب شکر مُنعم حکم می‌کند (سبحانی، ۱۴۱۲: ۱-۲۵)، و آیات الهی نیز این حکم عقل را تأیید می‌نمایند (بقره: ۱۵۲) لزوم استفاده صحیح از نعمت‌های الهی نیز با عقل و شرع قابل اثبات است. به این بیان که تضييع عمر و اتلاف وقت در لهو و لعب و امثال آن از مصادیق بارز کفران نعمت است (عقیل، بی تا: ۱۳) که مورد نهی عقل و شرع است. در مورد حرمت تضييع عمر و اتلاف وقت روایات بسیاری وارد شده است (تجلیل تبریزی، ۱۴۱۷: ۱۲-۴۹۱) که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

دیلمی در ارشاد القلوب از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمودند: «کسی که يك ساعت از عمر خود را در غیر آنچه برای آن خلق شده صرف کند، هرآینه سزاوار است که در روز قیامت حسرت و افسوس طولانی داشته باشد» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱-۴۹).

همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نشده که فرمودند:

«به اعمال و عبادات و کارهای نیکو بپردازید، در حالتی که چهار نعمت از نعم الهی در اختیار شماست پیش از آنکه در چهار چیز که ضد آن‌هاست واقع گردید: اول، صحت بدن قبل از مریض شدن؛ دوم، جوانی قبل از پیر شدن؛ سوم، فارغ بودن از کارها پیش از گرفتار شدن به شغل‌های دنیوی؛ چهارم، زندگی پیش از مرگ. و به تحقیق جبرئیل امین بر من نازل شد و برای من گفت: یا محمد هر ساعتی از زندگی خود که به یاد و ذکر من باشی، آن برای تو در نزد من ذخیره و محفوظ است، و در هر ساعتی که به یاد من نباشی و ذکر مرا نگوئی، آن ساعت از تو ضایع و باطل شده است» (دیلمی، ۱۳۷۶: ۱۹۸).

در ادامه روایت آمده است: «و خداوند متعال جلّت عظمته به حضرت داود پیغمبر وحی فرمود که: ای داود هر ساعتی که در آن به یاد من نیستی، آن را از ساعت عمر خود مشمار، یعنی بیهوده از دست رفته است و از آن بهره‌مند نشدی».

بنابراین از نظر عقلی و شرعی تضييع عمر حرام و منهی است. قسمت دوم استدلال اثبات صغرای قیاس منطقی است. بدین معنا که وقت‌گذرانی‌های کاربران اینترنتی و

شبکه‌های اجتماعی مجازی در بسیاری موارد مصداق اتلاف وقت و تضييع عمر است. این مطلب بسیار روشن است که هدف برپاکنندگان و بسترسازان شبکه جهانی عنكبوتی، مشغول کردن کاربران و تخدیر افکار عمومی است. این فضا تا ابزار امپریالیسم برای جنگ روانی بر ضد مخالفین منافع آن‌ها و در راه پیشبرد منافعشان به شمار می‌آید. این فضا به‌گونه‌ای طراحی شده که مانند گردابی، کاربر خود را مرحله به مرحله با ارائه خواسته‌های نفسانی او در قالب متن، فیلم، عکس و صدا به سرایشی خیال سوق می‌دهد و از تفکر در آفاق و انفس که برای شناخت خود و حرکت در راه سعادت لازم است، باز دارد.

مبلغ اینترنتی قصد دارد با استفاده از این ابزار دشمن که تسریع در اطلاع‌رسانی را موجب شده، به تبلیغ دین پردازد و از آن دفاع کند، اما گاهی به دلیل کمبود عده و عده جبهه خودی و نبود یک سازمان رسانه‌ای منسجم و تصمیم‌گیر و جریان‌ساز، در جریانات رسانه‌ای می‌افتد و ساعت‌ها زمان خود را اتلاف می‌کند.

برای حل این تراحم توجه به ضرورت حضور مبلغ کارشناس و درس خوانده در این فضا بسیار لازم است. نمی‌توانیم به خاطر وجود آسیب از اصل و ریشه تبلیغ اینترنتی را تعطیل کنیم، بلکه باید به آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی پردازیم. حضور در فضایی مانند تلگرام که ضریب نفوذ بسیار بالایی در بین جوانان کشورهای فارس‌زبان دارد و مخاطب تشنه‌کام ما را از پای منبر و محراب به زوایای پنهان خود کشانده، برای یک طلبه درس خوانده و آموزش دیده ضرورت عقلی و شرعی دارد، البته اعتیاد مبلغین دینی از جمله آسیب‌های جدی این فضاهاست که باید تا جای ممکن کاهش پیدا کند.

خوشبختانه معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه به این مشکل توجه داشته و راه‌حل‌هایی برای جلوگیری از آن اجرایی کرده است. راه‌حل‌هایی مانند: تعطیلی بخش گزارش‌دهی در روزهای تعطیل برای جلوگیری از فعالیت مجازی در این روزها، تعطیلی فعالیت غیرحضوری مبلغین و الزام ایشان به حضور در اداره تبلیغ اینترنتی با فراهم آوردن امکانات موردنیاز، تعیین سقف ساعت کاری روزانه برای جلوگیری از افراط در فعالیت، تشویق مبلغین به شرکت در تبلیغ سنتی در ایام تبلیغی از راه قبول مرخصی تبلیغی و ...

در مجموع اتخاذ این شیوه‌ها از طرف معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه باعث کاهش محسوس این آسیب شده است، اما بار اصلی مسئولیت برای کاهش آسیب به عهده شخص مبلغ مجازی است که همواره برنامه‌ریزی صحیح و مدوّنی برای انجام وظایف مختلف خود در شئون زندگی را داشته باشد و به احادیث و روایات وارده در این باره توجه بیشتری مبذول دارد. در روایات فرمودند: «عقل کسی که عمر خود را در چیزی که به سود او نیست، ضایع نمی‌کند» (لیثی، ۱۳۷۶: ۶۸) و «عقل کسی است که سعی خود را در جایگاه مناسب آن قرار دهد» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۲-۵۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمن، با صلاحیت نخواهد بود مگر آنکه دارای سه خصلت باشد: عارف و آشنا در مسائل دین باشد، برنامه‌ریزی‌کننده خوب نسبت به امور زندگی باشد، در برابر سختی‌ها و مشکلات بردبار و شکیبنا باشد» (اسکافی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

#### ۴. تزامم چهارم

ضرورت تولید محتوا و ضرورت دوری از محتواهای مبتذلانه

##### الف). تبیین تزامم چهارم

مبلغ اینترنتی برای پیدا کردن محتواهای مورد استفاده خود نیاز به جستجوی برخی کلیدواژه‌ها در فضای وب دارد. در بسیاری از موارد با وجود جستجوی کلمات غیر مبتذل، به محتواهای مبتذل برخورد می‌نماید که حتی یکبار دیدن آن‌ها شخص را دچار مشکل می‌کند. از طرفی تبلیغ اینترنتی از اهداف طلبگی و بایسته اوست و از طرفی دیگر، نزدیک شدن به چنین فضای آلوده‌ای با این‌گونه متحویات برای هر متدین آگاه ممنوع است. وضعیت در شبکه‌های اجتماعی خیلی بدتر است. مبلغی که در اینستاگرام یا تانگو به فعالیت مشغول است، هر روز با صدها عکس و فیلم مبتذل روبه‌رو می‌شود که یک بار دیدن آن چشم را آلوده می‌کند و حفظ دوباره آن «یوسفی خواهد که بازار زلیخا بشکند» (صائب تبریزی، غزل ۷۶).



یک مبلغ آگاه در جمع بین این باید و نباید، چگونه باید عمل کند تا هم به وظیفه عمل کرده باشد و هم از آلودگی‌ها دوری گزیده باشد؟ هم «باید» مربوط به وظیفه طلبگی اش را به جا آورده باشد و هم «نباید» مربوط به شئون ایمانی اش را ترک کرده باشد؟

### ب). حل تراحم چهارم

تراحم چهارم بین ضرورت تولید محتوا و ضرورت دوری از محتواهای مبتذلانه اتفاق می‌افتد. مشابه این جریان برای بخشی از نیروهای سازمان صداوسیما که وظیفه سانسور و تقطیع فیلم‌های خارجی یا رصد شبکه‌های خارجی و جریان‌شناسی آن‌ها را به عهده دارند، اتفاق می‌افتد. مبلغین مجازی که در شبکه‌های فیلترشده فعالیت می‌کنند، بارها با تصاویر مستهجن برخورد می‌کنند. مخاطبین این نوع مبلغین اغلب از اقشاری هستند که به قیود شرعی در ارسال محتوا مقید نیستند. برخی افراد هم به‌طور عامدانه متدینین را به این وادی می‌کشاند. مبلغینی که فقط در فضای عمومی اینترنت تولید محتوا دارند نیز با این‌گونه تصاویر برخورد می‌کنند. برای نمونه ممکن است کلیدواژه‌ای مربوط به محتوای خود را جستجو کنند تا تصویری مناسب برای آن تهیه کنند، اما تصاویر مبتذل برای آن کلیدواژه‌ها توسط افراد مغرض در فضای عمومی ارسال شده تا موتورهای جستجو آن را به مخاطب عرضه کنند. در اینجا است که یک مبلغ اینترنتی دچار سرگردانی می‌شود که آیا برای تبلیغ دین لازم است این چنین آلودگی‌ها را تحمل کرد یا باید این فضا را رها کرد یا اینکه راه‌حل دیگری در میان است؟

در این قسمت مانند سه گفتار قبل به بررسی ادله هر دو طرف تراحم می‌پردازیم. ادله بخش اول تراحم در گفتار اول این بخش بحث شد و نیازی به تکرار آن وجود ندارد. بخش دوم تراحم بدین قرار است:

محتواهای مبتذلانه در فضای مجازی همان فیلم و عکس‌هایی است که چشم و گوش کاربر اینترنتی را آلوده می‌کند. در علم فقه در مباحث نکاح در مورد نگاه به نامحرم بحث‌هایی شده است و آیات و روایاتی در لزوم اجتناب از آن وارد شده است. در اینجا به بخشی از ادله اشاره می‌کنیم:

چشم و گوش اگر حدود و ثغور دیدن و شنیدن را رعایت نکنند، در بارگاه عدل الهی باید پاسخگو باشند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ و از چیزی که به آن علم نداری [بلکه برگرفته از شنیده‌ها، ساده‌نگری‌ها، خیالات و اوهام است] پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل [که ابزار علم و شناخت واقعی‌اند] مورد بازخواست‌اند.» (الاسراء: ۳۶) امام سجاد علیه السلام در رساله الحقوق خود می‌فرماید:

«و حق گوش، منزّه داشتن آنست از شنیدن غیبت و از شنیدن آنچه حلال نیست ... و حق چشم آنست که فرو خوابانی آن را از هرچه حلال نیست تو را نظر کردن به آن مانند نظر کردن به زنان نامحرم و به پسران صاحب جمال و به سایر زینت‌های دنیا که رباینده دل‌هاست» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲-۶۱۹).

در قرآن کریم به‌طور صریح به زنان و مردان مؤمن دستور داده که چشم‌های خود را فرواندازند و از دیدن نامحرم خودداری کنند (نور: ۳۰ و ۳۱) سبب نزول این آیات داستان معروف چشم‌چرانی جوان انصاری است که به خاطر این کار چشمش زخمی شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۲۱) از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند:

«و بر چشم واجب کرده که به آنچه خدا دیدن آن را حرام کرده است، ننگرد، و از آنچه خدا نظر به آن را نهی کرده است و حلال نیست اعراض کند؛ و این عمل چشم است و ایمان چشم. و خود گفته است: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ بِهِمْ بِمَنْ بَغُو كَمَا لَمْ يَكُنْ لَكَ فَرْجٌ وَلَا حِجَابٌ لَكَ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ. و گفته است: وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ بِهِمْ بِمَنْ بَغُو كَمَا لَمْ يَكُنْ لَكُمْ فَرْجٌ وَلَا حِجَابٌ لَكُمْ وَلَا تَكُنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ. و فرج خویش نگاه دارند.»

زیبیری گوید: در اینجا امام صادق علیه السلام چنین افزود: هرچه در قرآن در باره نگاهداری اندام نهان (فرج). آمده، مقصود حفظ از زنا است، جز در این آیه که مقصود نگاه است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲-۳۵).

در روایات عامی، نگاه به نامحرم، زناى چشم نامیده شده است (پاینده، ۱۳۸۲):

۲۹۸) نگاه به نامحرم، در روایت رضوی علیه السلام تیری از تیره‌های شیطان معرفی شده است (امام رضا، ۱۴۰۶: ۲۰۵) امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «نگاه حرام، تیری است مسموم از تیره‌های شیطان. چه بسا که یک نگاه حرام، حسرتی طولانی به همراه می‌آورد» (برقی، ۱۳۷۱: ۱-۱۰۹). همچنین از عیسی بن مریم علیه السلام منقول است که فرمود: «از نگاه حرام بپرهیزید، زیرا چنین نگاهی تخم شهوت را در دل می‌کارد و همین برای فتنه صاحب آن دل بس است».

به جز کفین و وجه، جزء زینت زنان محسوب می‌شود و طبق آیه ۳۱ سوره نور باید آن را از نامحرم بپوشانند. سید یزدی در مسئله ۳۱ کتاب النکاح می‌نویسد: «نگاه کردن مرد به زن اجنبی و همچنین نگاه کردن زن به مرد اجنبی بدون ضرورت، جایز نیست. برخی از فقها صورت و کفین را استثناء کرده‌اند و در مورد آن‌ها، در صورت عدم ریه و تلذذ، قائل به جواز شده‌اند، و برخی نگاه اول را جایز و تکرار نگاه را حرام دانسته‌اند. احوط این است که مطلقاً ممنوع است» (یزدی، ۱۴۱۹: ۵-۴۹۴).

شهید ثانی معتقد است: «مسلمین بر حرمت نگاه مرد، به غیر صورت و کفین زن اجنبی، اتفاق نظر دارند و در این مطلب فرقی بین تلذذ و عدم آن، و خوف فتنه و عدم آن وجود ندارد» (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۷-۴۶). در مورد حرمت نگاه به صورت و کفین زن اجنبی با تلذذ و ریه، نیز اتفاق نظر وجود دارد، اما در مورد نگاه بدون تلذذ و ریه سه قول مطرح است:

۱. جواز مطلقاً (کراهت) که قول شیخ طوسی است (طوسی، ۱۳۸۷: ۴-۱۶۰)؛
۲. تحریم مطلقاً که مختار علامه حلّی در تذکرة است (حلّی، ۱۳۸۸: ۵۷۳)؛
۳. تفصیل بین نگاه اول و تکرار نگاه (یعنی نگاه اول مکروه است و دفعات دیگر حرام است). که قول محقق و علامه حلّی در اکثر کتاب‌هایش است (حلّی، ۱۴۱۳: ۳-۶؛ همو، بی تا: ۲-۳).

صاحب جواهر قول سوم را ضعیف‌ترین قول دانسته است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹-۷۵).

برخی از فقهاء پوشاندن «قدمین» - یعنی روی دو پا- را لازم ندانسته‌اند (شیرازی، ۱۴۲۵:

۷۴). یکی از ادله این مطلب روایتی از امام صادق علیه السلام است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵-۵۲۱)، اما برخی دیگر بر انحصار استثناء وجه و کفین، ادعای اتفاق اصحاب کرده‌اند (محقق داماد، ۱۴۱۶: ۲-۳۳).

مرحوم محقق داماد در کتاب الصلاة بحثی را در مورد تفسیر «غَضَّ بَصْرًا» در آیه ۳۰ نور مطرح کرده است. او می‌نویسد: «در معنای «غَضَّ بَصْرًا» دو احتمال وجود دارد. احتمال اول اینکه به معنای ترک نگاه به جنس مخالف رأساً (حتی نگاه خفیف) باشد. احتمال دوم اینکه به معنای پایین انداختن نگاه و نقص در آن است. یعنی نگاه خفیف بدون دقت نظر اشکالی ندارد. طبق احتمال اول که با ادله روایی دیگر قابل اثبات است، نگاه به وجه و کفین با دلیل خاص، از شمول اطلاق این آیه خارج شده است ... برخی از روایات جواز نگاه اول را می‌رسانند، مانند آنچه از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمودند: «اولین نگاه برای توست، و دومین نگاه به ضرر تو و سومین نگاه هلاکت بار است» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳-۴۷۴). نگاه اول گاهی از روی اراده است، و گاهی بلا اراده. در صورت اول، گاهی با تلذذ است و گاهی بدون تلذذ. در این روایت و امثال آن، مراد نگاه اول غیرارادی و نگاه اول ارادی بدون تلذذ است ... نگاه واحد ادامه‌دار و مستمر از نوع نگاه بعد از نگاه با قصد دیدن است» (محقق داماد، ۱۴۱۶: ۲-۲۴).

شیخ انصاری با استناد به روایت علی بن سواد «نگاه به قصد لذت بردن» را حرام دانسته، ولی نگاهی که بدون قصد لذت صورت گرفته، اما در ضمن آن لذت بردن حاصل شده را جایز می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵: ۵۳). صاحب جواهر این روایت را بر جواز نگاه اتفاقی حمل کرده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹-۷۹).

فخرالمحققین در دو مقام بحث کرده است. مقام اول در مورد نگاه‌های حرام بحث کرده که چهار قسم‌اند: ۱. نگاه مرد به زن اجنبی که اراده ازدواج با او را ندارد و نیازی هم به نگاه به او نیست. در مورد غیر وجه و کفین چنین نگاهی حرام است و در مورد آن دو به شرط تلذذ یا خوف فتنه حرام است؛ ۲. نگاه زن به مرد؛ ۳. نگاه مرد به مرد با شهوت و ریه؛ ۴. نگاه زن به زن با ریه و تلذذ.

مقام دوم نگاه مباح است که در دو محل است. اول در مورد نامحرمان است که در بالا اشاره شد. در مواردی که شرایط آن‌ها را نداشته باشد، مثلاً به قصد ازدواج و امثال آن باشد. دوم در مورد محارم شخص است که نگاه به وجه و کفین و قدمین آن‌ها جایز است و نگاه به عورت آن‌ها جایز نیست. در غیر این موارد هم در سه قسم بحث شده: اول پستان در حال شیردادن، و دوم در غیر حال شیر دادن، و سوم سایر قسمت‌های بدن. به اعتقاد فخرالمحققین در هر سه مورد نگاه جایز است (حلی، ۱۳۸۷: ۳-۶).

محقق حلی نگاه به نامحرم را در صورت نیاز جایز می‌داند (حلی، ۱۴۰۸: ۲-۲۱۳) شیخ انصاری معتقد است که مراد محقق، نیاز اضطراری به حکم عقل و نقل است، نه هر حاجتی؛ مانند اضطرار برای درمان مریضی که در برخی روایات وارد شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵-۵۳۴) و مانند ادای شهادت یا تحمل شهادت و مانند نگاه به زنی که اراده ازدواج با او را دارد (انصاری، ۱۴۱۵: ۵۶).

مطلب بعد در مورد نگاه به زن غیرمسلمان است. شیخ مفید در فتوایی نگاه به صورت و موهای زنان اهل کتاب را بدون ریبه جایز دانسته است (مفید، ۱۴۱۳: ۵۲۱). شیخ طوسی مانند این فتوا را با اضافه کردن عبارت «أو تلذذ» بیان نموده است (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۸۴) ابن ادریس فتوی به حرمت چنین نگاهی داده است (حلی، ۱۴۱۰: ۲-۶۱۰). ابن براج نگاه به موهای زنان کتابی را بدون تلذذ جایز دانسته است. علامه حلی نیز مانند ابن ادریس فتوای به حرمت داده است (حلی، ۱۴۱۳: ۷-۱۱۱).

سید یزدی در مسئله ۲۷ از مسائل نکاح می‌نویسد: «نگاه کردن به زنان اهل ذمه - بلکه مطلق کفار - بدون تلذذ و ریبه جایز است. احوط این است که فقط به مقداری که عادتاً آن مقدار را نمی‌پوشاند، نگاه کردن جایز است» (یزدی، ۱۴۱۹: ۵-۴۹۳). محقق بروجردی و گلپایگانی معتقدند که تنها نگاه کردن به مقداری از بدن آن‌ها جایز است که در زمان گذشته، یعنی زمان پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام عادت به پوشاندن آن داشته‌اند (همان). محقق خوبی مناط حکم به جواز چنین نگاهی را روایاتی دانسته که دلالت بر عدم حرمت زنان اهل ذمه، و به طریق اولی زنان کفار می‌کنند. بنابراین، در ظاهر نگاه به تمام بدن آن‌ها را جایز دانسته‌اند،

حتی مواضعی که عادت به پوشاندن آن دارند (خویی، ۱۴۱۸: ۲۵-۳۲). امام خمینی علیه السلام همانند عبارات سید یزدی را آورده است (خمینی، بی تا: ۲-۲۴۴)، البته از نظر ایشان در توضیح المسائل تنها نگاه به صورت و دست‌های زنان اهل کتاب بدون قصد لذت و خوف افتادن در گناه، جایز است (خمینی، ۱۳۸۷: ۵۱۰).

مستند حکم در مورد زنان اهل ذمه، موثقه سکونی است که امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمودند: «نگاه کردن به موها و دستان زنان اهل ذمه، حرمی ندارد.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵-۵۲۴). در روایت دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمودند: «نگاه کردن به سر زنان اهل ذمه، اشکالی ندارد» (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۳۱).

مستند این حکم در مورد زنان کفار، علاوه بر قیاس اولویت، روایت صحیحه عبّاد بن صهیب از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «نگاه کردن به سر اهل تهامة، اعراب بیابان نشین، اهل روستاها و کفار عجم جایز است، زیرا اگر آنان را از نشان دادن سرهایشان نهی کنی، قبول نمی‌کنند (و خود را نمی‌پوشانند)» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵-۵۲۴).

در مورد «نگاه به سر و دست زنان اهل ذمه» دلیل روایی وجود دارد، اما جواز نگاه به غیر سر و دست از مواضع بدن کفار - بدون ریه و تلذذ - وجهی ندارد (مازندرانی، ۱۴۱۷: ۱۰۷).

تا اینجا همه مطالب در مورد نگاه مستقیم به نامحرم بود، اما مبلغ اینترنتی با تصاویر عریان کسانی مواجه می‌شود که مسلمان نیستند و این تصاویر را خودشان در دسترس دیگران قرار داده‌اند. آیا نگاه به تصویر یا فیلم غیرمستقیم نامحرم حکم نگاه مستقیم به آن‌ها را دارد؟ علامه مجلسی روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد خنثی (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۹/۷). را دلیلی دانسته بر جواز رؤیت در آینه و آب و مانند آن در مورد چیزهایی که به صورت مستقیم نگاه کردن به آن‌ها حرام است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳-۲۳۹).

ملا احمد نراقی نگاه غیرمستقیم از طریق آینه و آب و مانند آن را جایز دانسته است، زیرا معتقد است: «نگاه کردن انصراف دارد به نگاه کردنی که شایع و متعارف است و علم نداریم که نگاه در آینه و آب و مانند آن، نگاه به زن و مرد باشد، زیرا ممکن است که رؤیت در این

موارد از طریق انطباع صور، انجام شده باشد. نگاه به تصاویر نقاشی شده هم همین طور است» (نراقی، ۱۴۱۵: ۱۶-۶۰).

محقق خویی با اشکال به سند روایت علوی، آن را مردود دانسته است (خویی، ۱۴۱۸: ۸۹-۱۲) از این روست است که صاحب عروه، فتوی به «حرمت نگاه کردن به چیزهایی که نگاه مستقیم به آن‌ها حرام است، در آیه و آب صاف حتی بدون تلذذ» داده است (یزدی، ۱۴۱۹: ۲-۳۱۸). دلیل این فتوی، عدم تفاوت عرفی بین نگاه مستقیم و نگاه غیرمستقیم و شمول حکمت حکم در نگاه غیرمستقیم است (محقق داماد، ۱۴۱۶: ۱-۳۷۹-۲ و ۹۳-۹۳). چنانکه ملاحظه شد، مرحوم نراقی به صور منقوشه و عدم تفاوت آن با نگاه در آینه (یعنی جواز چنین نگاهی) اشاره کرده‌اند.

برخی از معاصرین بین نگاه غیرمستقیم از طریق آینه و امثال آن با نگاه غیرمستقیم از طریق عکس و تصویر قائل به تفاوت شده‌اند. در مورد عکس هم بین اینکه صاحب عکس را بشناسد یا نشناسد، تفصیل داده‌اند. امام خمینی علیه السلام در برخی استفتائات به تفاوت دیدن عکس و دیدن مستقیم اشاره کرده‌اند. ایشان در پاسخ به این سوال که: «نگاه کردن به عکس زن‌های بی‌حجاب خارجی و داخلی از تلویزیون برای مرد نامحرم چه حکمی دارد؟»، مرقوم فرمودند: «اگر آن‌ها را نمی‌شناسد و فساد ندارد، نظر جایز است» (خمینی، بی‌تا: ۳-۲۶۰) به عقیده ایشان، «عکس و فیلم حکم نظر به اجنبی را ندارد» (همان: ۳-۲۶۰).

مرحوم محقق داماد بین عکس با نقاشی فرق گذاشته‌اند و در مورد عکس، حرمت نگاه به تصویر زنان غیرمحرّم در کاغذ و مانند آن را منوط به صدق عنوان نگاه به زن نامحرم بر چنین نگاهی دانسته‌اند و معتقدند چنین چیزی صدق نمی‌کند، البته در جایی که صاحب تصویر را بشناسد، صدق عنوان محتمل‌تر است. ایشان نگاه به نقاشی را جایز دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۴۱۶: ۱-۳۷۹) سید عبدالاعلی سبزواری انصراف ادله حرمت نظر از تصویر را صحیح می‌داند، هرچند در فتوی احتیاط می‌کند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۵-۲۴۱).

مرحوم گلپایگانی در پاسخ به استفتائی فرموده‌اند: «اگر زنی که صاحب تصویر است را می‌شناسد، احتیاط واجب در ترک نگاه است - چه با ریه و چه بدون آن- و اگر او را نمی‌شناسد، با ریه حرام است، اما بدون ریه معلوم نیست حرام باشد، هرچند احتیاط در ترک نگاه، خوب است» (گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۱۲۲).

شبهه به همین فتوی از مرحوم تبریزی نیز صادر شده است. به عقیده ایشان، نگاه به تصویر زنی که او را می‌شناسد، در حکم نگاه مستقیم به اوست (تبریزی، ۱۴۲۷: ۳۸۳-۵). امام خامنه‌ای علیه السلام در پاسخ به سؤالی در مورد نگاه به تصویر نامحرم بدون پوشش می‌نویسند: «نگاه کردن به تصویر زن نامحرم، حکم نگاه کردن به خود زن نامحرم را ندارد. بنابراین اگر نگاه از روی لذت نبوده و خوف افتادن به گناه نباشد، و تصویر هم متعلق به زن مسلمانی که بیننده آن را می‌شناسد، نباشد، اشکال ندارد و بنا بر احتیاط واجب نباید به تصویر زن نامحرم که به طور مستقیم از تلویزیون پخش می‌شود، نگاه کرد، ولی در پخش غیر مستقیم تلویزیونی اگر ریه و خوف افتادن به گناه نباشد، نگاه کردن اشکال ندارد» (خامنه‌ای، ۱۴۲۰: ۲-۱۶). آیت الله روحانی سه قول در مسئله طرح کرده است: عدم جواز مطلقاً، جواز مطلقاً، تفصیل بین نگاه به عکس زنی که شناخته شده است و غیر آن. ایشان دلیل قول سوم را همان ارتکاز عرفی در عدم تفاوت نگاه مستقیم و نگاه به عکس شناخته شده، دانسته است و معتقد است در صورت عدم پذیرش این دلیل باید به اصالة البرائة رجوع کرد که مقتضی قول دوم است (روحانی، بی تا: ۲۹۰).

دلیل تفاوت نگاه به عکس زن اجنبی که شناخته شده است و غیر شناخته شده، صدق عنوان «التشبیح بامرأة معینة» در مورد شخص شناخته شده است (بهجت، ۱۴۲۸: ۴-۲۱۴) تشبیح در معنای اعم خود به معنای یادگیری اوصاف زنان نامحرمی است که آن‌ها را می‌شناسد. این عنوان در معنای خاص فقهی به ذکر محاسن و اظهار شدت حب نسبت به زن شناخته شده مومن نامحرم به وسیله شعر یا غیر آن گفته می‌شود (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳: ۵-۳۸۹) محقق و علامه حلی فتوی به تحریم آن داده‌اند (حلی، ۱۴۰۸: ۱۱۷/۴) و صاحب جواهر بر این حکم ادعای اجماع کرده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱-۴۹).



تقریرات درس خارج آیت الله مکارم شیرازی با عنوان «مسئله مستحذثه»، نگاه کردن به عکس یا فیلم را بررسی کرده است. به اعتقاد ایشان این مسئله چون نوپدید است، دارای دلیل روایی خاص نیست و باید از طریق اصول کلیه بحث شود. ایشان نگاه به تلویزیون را نه از قبیل نگاه مستقیم دانسته، و نه از قبیل نگاه در آینه. ایشان، در این باره می نویسد: «نگاه در آینه و نگاه به عکس در آب صاف را می توان با القاء خصوصیت، مشمول آیه و جوب غصّ بصر کرد، اما نگاه به تلویزیون چنین نیست و شمول ادله در مورد آن مشکوک است؛ البته در مورد تصاویر مستهجن که باعث مفسده و تلذذ است، حرمت نگاه مشخص است» (شیرازی، ۱۴۲۵: ۴۱-۱). مراجع عظام در مورد تصاویر مستهجن هم که اغلب باعث مفسده و تلذذ است، فتوای صریح به حرمت نگاه به آن‌ها داده‌اند (گلیپایگانی، ۱۴۱۳: ۱۲۴؛ تبریزی، ۱۴۲۷: ۹-۲۵۴؛ خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۲۶۰؛ شیرازی، ۱۴۲۵: ۱-۴۲؛ بهجت، ۱۴۲۸: ۴-۲۱۳).

بعد از بیان تفصیلات پیش گفته در مسئله نگاه کردن، به اصل قضیه بازمی گردیم: مبلّغ اینترنتی با تصاویر مستهجنی از کفار یا کسانی که در حکم کفارند (از نظر انکار حجاب و تجرّی برای اشاعه فحشاء)، روبه‌روست. نگاه اتفاقی، به دلیل عدم صدق عنوان النظر الی الاجنبیه، انصراف آیه ۳۰ نور از این مورد و روایات خاصه‌ای که گذشت، علی الاقوی جایز است، اما تکرار یا استمرار نگاه به یقین حرام است. با این بیان، مشکل تراحم مرتفع می‌شود، زیرا یک طرف تراحم از حرمت به جواز تنزل یافت و می‌دانیم که بین این دو تراحمی نیست.

توجه به این نکته لازم است که به دلیل آلودگی این فضا و تکرار این نگاه‌های اتفاقی، باید با اتخاذ راه‌کارهایی از آسیب‌های آن کاست. توجه به روایات این باب و احکام شرعی حدود نگاه کردن، در این زمینه بسیار مؤثر است. همچنین توجه به روایات مربوط به ثواب غصّ بصر و عقاب نگاه‌های حرام یا شبهه‌ناک نیز اثرگذار است.

از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمودند: «هر کس دیده‌اش بر زنی افتد و چشم به سوی آسمان بالا برد و یا آن را روی هم گذارد، دیده بر هم ننهد، مگر آنکه خداوند يك تن از حوران بهشتی را به همسری وی در آورد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳-۴۷۳).

## بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به ضرورت حضور مبلغین دینی در فضای مجازی و پیش آمدن تنگناهای اخلاقی، پژوهشگر در ضمن چند مرحله به حل چهار تراحم با فراوانی بالا پرداخته است. در مرحله اول واژه‌های کلیدی تبیین شد. سپس در مرحله دوم، چهار تراحم اخلاقی بدون اشاره به ادله، مطرح گردید. در مرحله سوم با اشاره به ادله هر کدام از اطراف تراحم، آن تراحم دفع یا رفع شد.

تراحم اول بین ضرورت جریان‌شناسی برای شبهه‌شناسی و پاسخ به آن و لزوم اجتناب از فضاهای شبهه‌ناک اتفاق می‌افتد. برای حل این تراحم به بحث «مطالعه کتب ضلال» در فقه اشاره شد و به این نتیجه رسیدیم که با در نظر گرفتن شرایط خاص مبلغ اینترنتی در فرض مسئله، تراحم در خارج اتفاق نمی‌افتد و اگر چنین تراحمی اتفاق افتاد، به دلیل نبود شرایط لازم تبلیغی برای چنین فضایی است.

تراحم دوم بین ضرورت تبلیغ دین و پاسخ‌گویی به شبهات و لزوم اجتناب از اجتماع با نامحرم در فضای خصوصی رخ می‌دهد. برای حل چنین تراحمی به مسئله «خلوت کردن زن و مرد نامحرم» اشاره کردیم و به این نتیجه رسیدیم که در صورت بسترسازی سازمان تبلیغی مسئول، ارجاع به خواهران مبلغه امکان‌پذیر است و در غیر این صورت، با برهم زدن خلوت مجازی با اجتماع حقیقی مبلغ با محارم خود، اشکالی در حضور وی در چت خصوصی نیست.

با توجه به اعتیاد کاربران اینترنتی و به‌ویژه شبکه‌های مجازی تراحم سوم بین ضرورت تبلیغ دین و لزوم جلوگیری از تضييع عمر و اتلاف وقت بود. با توجه به ضرورت حضور در این فضا برای تبلیغ و دفاع از دین، دو وظیفه برای کاهش آسیب اعتیاد بیان کردیم. یکی وظیفه‌ای که به عهده نهاد مسئول در تبلیغ مجازی است و مسئولیت دوم به عهده شخص مبلغ اینترنتی است.

تراحم چهارم بین ضرورت تهیه محتوا و جستجو در فضای مجازی و لزوم اجتناب از تصاویر مستهجن اتفاق می‌افتد. برای حل تراحم چهارم، بعد از بیان مفصل مباحث فقهی در

مسئله «نگاه کردن» به این نتیجه رسیدیم که نگاه اتفاقی علی الاقوی جایز است، اما تکرار یا استمرار نگاه به یقین حرام است. بنابراین یک طرف تراحم از حرمت به جواز تنزل یافت و می‌دانیم که بین این دو تراحمی نیست؛ البته راهکارهایی برای کاهش آسیب‌های ناشی از کثرت نگاه‌های اتفاقی به این نوع تصاویر ارائه گردید.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد (بی تا). الجعفریات (الأشعثیات). تهران: مكتبة النینوی الحدیثة.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
۴. اسکافی، محمد بن همام (۱۳۸۸). تکامل و طهارت روح: ترجمه کتاب شریف التمهیص. قم: انتشارات نورالسجاد.
۵. امام عسکری علیه السلام، حسن بن علی (۱۴۰۹ق). التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام. قم: مدرسة الإمام المهدي #.
۶. امام رضا علیه السلام، علی بن موسی (۱۴۰۶ق). الفقه. مشهد: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۷. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). کتاب النکاح. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۹. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۱۰. آذریخش، علی محمد (بی تا). درآمدی بر نقش رسانه‌ها در جریان‌سازی. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم: دارالکتب الإسلامية.
۱۴. بهجت فومنی، محمد تقی (۱۴۲۸ق). استفتانات. قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت.
۱۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲ش). نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم). تهران: دنیای دانش.
۱۶. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق). صراط النجاة. قم: دارالصدیقة الشهیدة.
۱۷. تجلیل تبریزی، ابوطالب (۱۴۱۷ق). معجم المحاسن و المساوی. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة به قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۸. جمعی از پژوهشگران، زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام. قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا). الصحاح. محقق: احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دار العلم للملایین.
۲۰. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰ ش). الحیاة. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۱. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸ق). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲۳. حلّی، حسن بن یوسف (بی تا). تحریر الأحکام الشریعة علی مذهب الإمامیة. مشهد: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲۴. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۶. حلّی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۷. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲۸. خامنه ای، سید علی (۱۴۲۰ق). أجوبة الاستفتاءات (عربی). بیروت: الدار الإسلامیة.
۲۹. خامنه ای، سید علی (۱۴۲۴ق). أجوبة الاستفتاءات (فارسی). قم: دفتر معظم له در قم.
۳۰. خزائلی، محمد (۱۳۶۳). شرح گلستان. تهران: جاویدان.
۳۱. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۷). توضیح المسائل حضرت امام خمینی علیه السلام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۲. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۴ق). توضیح المسائل (محشّی امام خمینی علیه السلام). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. خمینی، سید روح الله (بی تا). استفتاءات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۴. خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسیلة. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۳۵. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶ق). صراط النجاة فی اجوبة الاستفتاءات. قم: برگزیده.
۳۶. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهة من المعاملات. قم: انصاریان.
۳۷. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی علیه السلام.
۳۸. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). إرشاد القلوب إلی الصواب. قم: الشریف الرضی.
۳۹. دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۶). إرشاد القلوب. ترجمه سید عباس طباطبائی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. روحانی، سید صادق حسینی (بی تا). المسائل المستحدثة. قم: مؤلف.

۴۱. سبحانی، شیخ جعفر (۱۴۱۲ق). الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل. قم: المركز العالمی للدراسات الإسلامية.
۴۲. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام. قم: مؤسسه المنار.
۴۳. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۱۷ق). دلیل تحریر الوسيلة - الستر و الساتر. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴۴. شریف رضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة. صبحی صالح. قم: هجرت.
۴۵. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱). جزوه درسی اخلاق کاربردی. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
۴۶. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۰). چستی اخلاق کاربردی. معرفت اخلاقی. ۲ (۳)، ۸۳-۹۶.
۴۷. شوشتری، محمد تقی (۱۴۰۶ق). النجعة فی شرح اللمعة. تهران: کتابفروشی صدوق.
۴۸. شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۴۹. شیخ بهایی (۱۳۵۲). کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی. تهران: محمودی.
۵۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۱ش). الإحتجاج. ترجمه بهرادر جعفری. تهران: انتشارات اسلامی.
۵۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). دلائل الإمامة. قم: بعثت.
۵۳. عاملی، سید جواد (۱۴۱۹ق). مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۴. عقیل، محسن (بی تا). الأعمال المانعة من دخول الجنة. بی جا: مؤلف.
۵۵. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۵۶. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۵۸. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳ق). إرشاد السائل. بیروت: دارالصفوة.
۵۹. لیثی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. تحقیق حسین حسنی بیرجندی. قم: دارالحديث.
۶۰. مامقانی، عبدالله (۱۳۸۵). مرآة الکمال لمن رام درک مصالح الأعمال. تحقیق محی الدین مامقانی. قم: دلیل ما.
۶۱. محقق داماد، سید محمد (۱۴۱۶ق). کتاب الصلاة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۶۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق). مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۶۳. محمدی پیرو، احمد؛ شریفی، احمدحسین (۱۳۹۰). نقش مطلق گرایی در حل تزاخمت اخلاقی. معرفت اخلاقی، ۲ (۴)، ۲۱-۴۴.
۶۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق). أنوار الفقاهة - كتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام.
۶۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید عليه السلام.
۶۶. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهرالکلام في شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۶۷. نراقی، مولی احمد (۱۴۱۵ق). مستند الشيعة في أحكام الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۶۸. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۵ش). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
۶۹. یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۱ق). حاشية المكاسب. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۷۰. یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۰۹ق). العروة الوثقى. بیروت: مؤسسه اعلمی.
۷۱. یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۹ق). العروة الوثقى (المحشى). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# Examining Some Ethical Conflicts in the Field of Religious Advertising in Cyberspace

Abolfazl Tavassoli Zadeh \*

## Abstract

**Objective:** Religious propagators in cyberspace face various ethical conflicts, and making appropriate decisions in these cases requires careful consideration of the rational and religious arguments surrounding the doubts and conflicts. The aim of this paper is to resolve four cases of ethical conflicts faced by propagators in this space.

**Methodology:** Data collection and identification of ethical conflicts were conducted using field and library methods. To address these conflicts, an analytical-ijtihad approach was employed, relying on reasoning and inference.

**Findings:** This article examines four cases of ethical conflicts encountered by religious propagators. The first conflict arises between the necessity of conducting flow analysis for doubt resolution and the need to avoid dubious spaces. The second conflict is between the necessity of religious propagation and responding to doubts, and the need to avoid mingling with non-mahrams in private spaces. The third conflict involves the necessity of religious propagation and the need to prevent wasting time and life. The fourth conflict occurs between the necessity of content creation and exploration in cyberspace and the need to avoid obscene images.

**Discussion and Conclusion:** By examining the arguments surrounding each conflict, it was concluded that the first conflict is hypothetical and does not occur in practice. In the second and third conflicts, the necessity of propagation takes precedence over its common harms, and practical suggestions are provided to mitigate these harms. The fourth conflict can also be resolved by clarifying the ruling on looking at such images.

**Keywords:** applied ethics, religious propagation, cyberspace, ethical conflict, religious propagator, and ethics of propagation